



|            |      |              |    |             |   |       |      |
|------------|------|--------------|----|-------------|---|-------|------|
| سال انتشار | ۱۴۰۴ | شماره انتشار | ۲۵ | دوره انتشار | ۷ | صفحات | ۱-۲۳ |
|------------|------|--------------|----|-------------|---|-------|------|

## جایگاه، کارکردها و جلوه های دادرسی افتراقی در حقوق کیفری کودکان و نوجوانان

آقای دکتر سید عباس جزایری و آقای دکتر امیر قائدی

استادیار گروه حقوق واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، ایران

دانش آموخته دکتری، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

### چکیده

امروزه با اثرگذاری موازین جرم‌شناسی بالینی، الگوی جدیدی برای رسیدگی به جرم ارتكابی خردسالان ظهور یافته که از آن به دادرسی کیفری افتراقی یاد می‌شود. در میان همه موضوعات مرتبط با دادرسی کیفری افتراقی ویژه کودکان و نوجوانان، الزامات و تضمینات حاکم بر این الگوی جدید عدالت کیفری موضوع مهمی است. یکی از سازوکارهایی که اجرای آن یکی از مهم‌ترین جلوه‌های توجه به این الزامات و تضمینات برشمرده شده است، جایگزین‌های حبس است که اساساً به منظور احتراز از آثار سوء و ناگوار محیط زندان بر کودکان و نوجوانان و به جای آن، استفاده از سازوکارهای نظارتی و اصلاحی و درمانی و بازپرورانه نسبت به این قشر آسیب‌پذیر و مستحق حمایت بیشتر، مورد تأکید قرار گرفته‌اند. در این مقاله، به بحث پیرامون جایگاه، کارکردها و جلوه های دادرسی افتراقی در حقوق کیفری کودکان و نوجوانان پرداخته ایم. سوال اصلی این بوده است که دادرسی افتراقی در عرصه حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، چه جایگاه و ضرورتی دارد و جلوه های آن کدامند؟ در پاسخ، این نتیجه حاصل شده است که دادرسی افتراقی، از جمله مهم ترین بنیان های حقوق کیفری نوین در ارتباط با جرائم ارتكابی کودکان و نوجوانان است که تحت تأثیر اندیشه ها و آموزه های جرم شناسانه، سعی در تعیین و اجرای موثرترین و کارآمدترین پاسخ ها نسبت به بزهکاری کودکان و نوجوانان دارد.

**واژگان کلیدی:** دادرسی کیفری افتراقی، کودکان و نوجوانان مرتکب جرم، رویکرد اصلاح مدار و درمانگر، جایگزین‌های حبس.

**طبقه‌بندی:** JEL: فقه – حقوق – جزا و جرم شناسی – حقوق بین الملل – حقوق خصوصی



## The Status, Functions, and Manifestations of Differentiated Adjudication in Juvenile Criminal Law

### Abstract

Today, influenced by the principles of clinical criminology, a new model for addressing crimes committed by minors has emerged, known as "differentiated criminal justice." Among the various issues surrounding this specialized justice system for children and adolescents, the requirements and safeguards governing this new model are of particular importance. Alternatives to incarceration stand out as a key mechanism reflecting these requirements and safeguards; they are emphasized primarily to avoid the detrimental effects of the prison environment on young offenders, opting instead for supervisory, rehabilitative, therapeutic, and reintegrative measures tailored to this vulnerable group deserving of enhanced protection. This article examines the status, functions, and manifestations of differentiated justice within the realm of juvenile criminal law. The central question addressed is: what is the significance and necessity of differentiated justice in this field, and what forms does it take? The study concludes that differentiated justice constitutes a cornerstone of modern criminal law regarding juvenile offenses; influenced by criminological thought, it seeks to determine and implement the most effective and efficient responses to juvenile delinquency.

**Keywords:** Differentiated criminal justice, juvenile offenders, rehabilitative and therapeutic approach, alternatives to imprisonment.



## متن مقاله

بازداشت، هزینه‌های سرسام‌آوری برای نظام‌های عدالت کیفری در پی دارد. از جمله دلایل گرایش نظام‌های عدالت کیفری به شناسایی و اجرای جایگزین‌های حبس، صرفه‌جویی در همین هزینه‌ها و مخارج بوده است. در این باره، گفته شده که عدالت کیفری ویژه کودکان و نوجوانان در پرتو دستاوردهای مدیریت ریسک جرم، به رغم پیش‌بینی پاسخ‌های طرد کننده و ناتوان ساز برای مجرمان پرخطر هم چون حبس‌های طولانی مدت، برای مجرمانی که خطرناکی کم تری از خود نشان داده بودند، مجازات‌های جایگزین زندان در بستر جامعه و با محتوای نظارتی را در نظر گرفته است. با اجرای این مجازات‌ها، از یک سو هزینه‌ی نگهداری مجرمان کم خطر بر دوش نظام عدالت کیفری دیگر سنگینی نمی‌کند و از سوی دیگر، توان عدالت کیفری برای برخورد با مجرمان پرخطر محفوظ خواهد ماند.

دادرسی کیفری افتراقی نسبت به کودکان و نوجوانان، ضمن اینکه از اهمیت و جایگاه خاصی در حقوق کیفری مدرن برخوردار است، جلوه‌ها و مقتضیات خاص خود را دارد که حتماً باید در صدد شناخت و بررسی آن‌ها برآمد. به منظور تحلیل بیشتر و بهتر دادرسی کیفری افتراقی نسبت به کودکان و نوجوانان، در قسمت اول از نوشتار حاضر، الزامات و تضمینات حاکم بر دادرسی کیفری افتراقی کودکان و نوجوانان مرتکب جرم را بررسی می‌کنیم. سپس، جلوه‌های دادرسی کیفری افتراقی کودکان و نوجوانان را مطالعه می‌کنیم. در پایان نیز به دلیل اهمیت استفاده از جایگزین‌های حبس نسبت به کودکان و نوجوانان به مثابه یکی از مهم ترین زمینه‌های دادرسی کیفری افتراقی نسبت به کودکان و نوجوانان، این موضوع را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

آنچه می‌تواند مکمل توضیحات قبلی باشد، بررسی الزامات و تضمیناتی است که بر دادرسی کیفری افتراقی کودکان و نوجوانان حاکم هستند.

امروزه، تأکید بر برگزاری و اجرای دادرسی کیفری افتراقی نسبت به کودکان و نوجوانان مرتکب جرم است. واژه افتراقی بودن به وضوح، به تفاوت‌ها و تمایزهای بنیادین میان دادرسی کیفری کودکان و نوجوانان از یک سو و دادرسی کیفری بزرگسالان از سوی دیگر اشاره دارد. افتراقی شدن دادرسی کیفری نسبت به کودکان و نوجوانان، مؤلفه‌ها و اقتضائات خاصی دارد که در میان آن‌ها غیرعلنی بودن دادرسی‌ها، امکان تجدیدنظرخواهی از همه تصمیمات دادگاه، حمایت همه‌جانبه از کودکان و نوجوانان متهم، اجرای جایگزین‌های حبس به جای کیفرهای سالب آزادی و ...، از اهمیت بسیاری برخوردار هستند. در این میان، جایگزین حبس به هر تدبیر و اقدامی گفته می‌شود که به منظور اجتناب از اجرای کیفر حبس یا بازداشت موقت و با هدف دور نگاه داشتن مرتکبان جرم از آثار ناگوار و مخرب محیط زندان و در عوض، نظارت هر چه بیشتر بر آن‌ها در محیط خارج از زندان به اجرا درمی‌آید. در یک تقسیم‌بندی مرسوم، این جایگزین‌ها به جایگزین‌های سنتی و نوین تفکیک می‌شوند. منظور از تدابیر جایگزین سنتی، اقداماتی هستند که از بدو قانون‌گذاری در نظام عدالت کیفری و به منظور اجتناب از عواقب مخرب محیط زندان و بازداشتگاه مورد اجرا بوده‌اند. در عین حال، یک هدف اصلی از اجرای آن‌ها، کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها بوده است. این جایگزین‌ها را می‌توان عبارت دانست از جزای نقدی، تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط. در مقابل، جایگزین‌های نوین، تدابیری هستند که اخیراً در نظام عدالت کیفری مطرح شده‌اند و سابقاً وجود نداشته‌اند که می‌توان آن‌ها را عبارت دانست از محرومیت از حقوق اجتماعی، دوره‌های مراقبتی، جریمه‌های روزانه و خدمات عام‌المنفعه.

تردیدی نیست که اجرای ضمانت اجرای کیفری با محوریت حبس و



باشد. (دلماس مارتی، ۱۳۸۷، ۶۱) با این وصف اسناد بین‌المللی درصدد برآمده‌اند تا برخی محورها و معیارهای بنیادین را برای پی ریزی مدل‌ها و گونه‌های عدالت کیفری ناظر بر بزه‌کاری کودکان و نوجوانان در نظام‌های کیفری داخلی پیشنهاد بدهند. (شاملو، ۱۳۸۹، ۳۷)

اساسی‌ترین الزام (تضمین) مطرح در باب احراز مسئولیت کیفری به ویژه نسبت به کودکان و نوجوانان فرض بی‌گناهی (اصل برائت) است. بر پایه این فرض همه شهروندان بی‌گناه محسوب می‌شوند مگر اینکه مجرمیت آن‌ها در دادگاه صلاحیت‌دار و پس از سپری شدن تشریفات قضایی اثبات گردد. این اصل که در آزادی‌های فردی ریشه دارد، در تعدادی از اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ به رسمیت شناخته شده است (شاملو، ۱۳۸۳، ۲۶۴) و قانون‌گذاری کشورهای مختلف در قوانین اساسی یا عادی خود، این اصل را پیش‌بینی کرده‌اند. در اصل ۳۷ قانون اساسی کشورمان نیز می‌خوانیم: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح اثبات گردد. این اصل که از نظرگاه حقوق بشر اهمیت بسیاری دارد، از طرف تدوین‌کنندگان پیمان‌نامه حقوق کودک و سایر اسناد بین‌المللی ناظر به کودکان (از جمله قاعده ۲ از حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان و ماده ۳ نمونه قانون قضایی برای نوجوانان) نیز محترم شمرده شده است. (Scott and Steinberg, ۲۰۰۸, ۱۲۰) بر پایه بخش (ب) از بند ۲ ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک تا هنگامی که گناهکار بودن کودک بر اساس قانون ثابت نشود بی‌گناه فرض می‌شود.

اصل دیگر، تشکیل دادگاه مناسب و صلاحیت‌دار و رسیدگی به جرم ارتكابی توسط کودک و نوجوان توسط چنین دادگاهی است. ایجاد چنین دادگاهی، اساساً از جلوه‌های بارز دادرسی عادلانه به شمار می‌رود زیرا

قسمت بعد، به تحلیل این الزامات و تضمینات اختصاص دارد.

۱- الزامات و تضمینات حاکم بر دادرسی کیفری افتراقی کودکان و نوجوانان مرتکب جرم

برای تبیین بهتر رویکردهای ملی و فراملی حاکم بر دادرسی کیفری افتراقی کودکان و نوجوانان مرتکب جرم، می‌توان الزامات و تضمینات ناظر بر دو مقوله «مسئولیت کیفری» و «واکنش‌های قضایی» را به بحث گذاشت.

۱-۱ الزامات و تضمینات ناظر بر مقوله مسئولیت کیفری

آنچه ذیل این عنوان می‌توان در مورد آن بحث کرد، در واقع، شامل الزامات و تضمینات حاکم بر فرایند دادرسی کیفری در زمانی است که مقامات قضایی، کودک و نوجوان مرتکب جرم را در روند دادرسی قرار داده‌اند تا مسئولیت کیفری وی را احراز کنند. به تعبیر دیگر، این موارد، عبارت‌اند از الزامات و تضمینات دادرسی منصفانه و عادلانه نسبت به کودک و نوجوان در جایی که هدف از اعمال دادرسی، احراز عناصر مجرمیت است. در تحلیل این نکته باید به یک موضوع محوری دیگر توجه داشت و آن اینکه نگرش گونه‌شناسانه به تحولات پاسخ‌دهی به بزه‌کاری اطفال در واقع نه تنها زمینه شناخت مدل حاکم بر نظام عدالت کیفری ملی را در این‌باره فراهم می‌آورد بلکه موجبات تأمل و تعمق در اوضاع و احوال اجتماعی مؤثر بر بروز و کاربرد آن گونه پاسخ‌دهی را نیز امکان‌پذیر می‌سازد. (دهقانی، ۱۳۸۸، ۵۲) چه بسا ضرورتاً ماهیت و مؤلفه‌های پاسخ به بزه‌کاری کودکان و نوجوانان در نظام حقوقی- کیفری (سیاست جنایی) در قالب الگو یا مدلی خاص به طور کامل تبیین‌پذیر نباشد و بلکه بخش‌ها یا جنبه‌هایی از آن با توسل به الگو یا مدل دیگری قابل بررسی و تحلیل



بخشیدن به دادرسی کیفری از منظر حقوق بشر و آموزه‌های جرم شناختی بسیار درخور توجه است. رسیدگی کیفری بدون تأخیر از یک سو سبب می‌شود تا متهم بی‌جهت در فرایند کیفری باقی نماند و از سوی دیگر به متهم و جامعه هشدار می‌دهد که در صورت ارتکاب جرم به سرعت از سوی نظام عدالت کیفری به آن پاسخ داده می‌شود؛ بنابراین رسیدگی بدون تأخیر، سازوکاری مناسب برای پیشگیری از تضییع حقوق و آزادی‌های شهروندان به شمار می‌رود. (تقی پور، ۱۳۸۵، ۲۰۳)

تدوین‌کنندگان پیمان‌نامه حقوق کودک، این سازوکار را در قسمت دوم بخش (ب) بند ۲ ماده ۴۰ به رسمیت شناخته‌اند. همچنین در قاعده ۲۸ از مجموعه حداقل قواعد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان نیز حفظ شده است. در این باره همچنین گفته شده که کودک یا نوجوان مرتکب بزه، به هیچ وجه نباید به دلیل تأخیر در دادرسی، به تکلیف بماند و به ویژه از محیط خانوادگی یا سرپرستی که به آن تعلق دارند دور بمانند (خواجانه‌نوری، ۱۳۸۸، ۱۹۱) لذا رسیدگی به جرائم ارتکابی از سوی کودک و نوجوان باید در اسرع وقت و بدون تأخیر غیرموجه برگزار شود و حتی پیشنهاد نیز شده که اگر قرار است بنا به دلیلی موجه، فرایند دادرسی نسبت به آن‌ها طول بکشد آن‌ها حتماً از مراقبت‌ها و حمایت‌های خانواده، مدرسه، همسالان و سرپرستان خویش برخوردار شوند. (درویشی، ۱۳۹۰، ۴۷)

اصل دیگر، غیرعلنی بودن دادرسی کیفری در مورد کودکان و نوجوانان مرتکب جرم است. در حالی که اصل بر علنی بودن دادرسی‌های کیفری است و در این باره از جمله به در معرض قضاوت عمومی قرار دادن محاکمات برای ارزیابی عادلانه بودن محاکمات استناد شده است (خالقی، ۱۳۸۳، ۲۷) (نیکویی، ۱۳۸۵، ۴۵) (امیدی و نیکویی، ۱۳۸۷، ۳۸) اما در دادرسی‌های کیفری ویژه کودکان و نوجوانان مرتکب جرم این اصل

تناسب دادگاه با نوع بزه کاری و بزه کار و نیز صلاحیت داشتن دادگاه سبب افزایش دقت در رسیدگی‌های کیفری می‌شود. تحت تأثیر همین رویکرد سیاست‌گذاران جنایی با توجه به معیارهایی از قبیل شدت جرم ارتکابی، جنسیت بزه‌کاران و سن آنان به دسته‌بندی دادگاه‌ها برای برقراری تناسب بیشتر میان دادگاه رسیدگی‌کننده و پدیده بزه کاری و بزه کار مبادرت ورزیده‌اند. (خالقی، ۱۳۸۳، ۱۶۳) در مورد کودکان و نوجوانان این نکته مورد تأکید قرار گرفته که ایجاد دادگاه مزبور اولاً باید نسبت به کودکان و نوجوانان با حساسیت بیشتری دنبال شود و ثانیاً ایجاد آن باید به گونه‌ای طرح‌ریزی گردد که با رویکرد اصلاح و درمان و حمایت از نیازهای خاص کودکان و نوجوانان مورد توجه قرار گیرد. (Young and Gainsborough, ۲۰۰۰, ۲۰۹)

در پی این امر، سیاست‌گذاران جنایی در عرصه بین‌المللی ایجاد چنین دادگاه‌هایی را برای رسیدگی به جرائم ارتکابی از سوی کودکان و نوجوانان را پیش‌بینی کرده‌اند. پیمان‌نامه حقوق کودک در قسمت سوم بخش (ب) بند ۲ ماده ۴۰ (رسیدگی به اتهام از سوی یک مقام یا مرجع قضایی صلاحیت‌دار) این حق را برای کودکان و نوجوانان مرتکب بزه به رسمیت شناخته است. از دیگر ویژگی‌های دادگاه کیفری ویژه کودکان و نوجوانان مرتکب جرم، دادرسان صالح و شایسته‌ای برای رسیدگی به جرم‌های ارتکابی توسط کودکان و نوجوانان است. این دادرسان معمولاً پس از گذراندن دوره‌های آموزشی خاص و داشتن تجربه، این شایستگی را کسب می‌کنند. (غلامی، ۱۳۹۴، ۳۲) این ویژگی در ماده ۴ پیمان‌نامه حقوق کودک با عبارت «مقام قضایی واجد صلاحیت» مورد توجه قرار گرفته است. همین رویکرد در قاعده ۲۷ از مجموعه قواعد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان نیز حفظ شده است. اصل دیگر، رسیدگی به جرم‌های ارتکابی توسط کودکان و نوجوانان بدون تأخیر است. سرعت



بر نحوه تعیین و اجرای واکنش‌های دستگاه عدالت کیفری به بزه‌کاری کودکان و نوجوانان حاکم هستند. در قسمت بعد این موضوع را پی خواهیم گرفت.

## ۱-۲ الزامات و تضمینات ناظر بر واکنش‌های قضایی

با بررسی منابع و مآخذ مربوط به دادرسی کیفری ویژه (افتراقی) برای کودکان و نوجوانان مرتکب جرم می‌توان الزامات و تضمینات ناظر بر نحوه تعیین و اجرای واکنش‌های قضایی نسبت به این کودکان را در چند رویکرد (مدل) کلی مطالعه کرد؛ رویکرد حمایتی، رویکرد ترمیمی و رویکرد اصلاحی. در رویکرد حمایتی، همان‌گونه که از عنوان آن نیز قابل استنباط است تأکید بر حمایت از کودکان و نوجوانان مرتکب جرم است. در چنین رویکردی، این کودکان و نوجوانان، ضد اجتماع و مخرب و مجرم به معنی خاص و واقعی کلمه محسوب نمی‌شوند بلکه کسانی قلمداد می‌گردند که به دلایل مختلف در شرایطی قرار گرفتند که ممکن است درک درست و کاملی از آن شرایط نداشته باشند و دست به رفتاری می‌زنند که از نظر قانون جرم محسوب می‌شود. با این نگرش بعید است بتوان کودک یا نوجوان مرتکب جرم را مجرم به معنای حقیقی دانست بلکه آن‌ها حتی گاهی ممکن است معنای جرم و قانون مجازات را درک نکنند لیکن درعین حال، جرم را مرتکب شوند. به همین دلیل است که در ایران، برخی حقوقدانان، اساساً استفاده از لفظ مجرم (بزه‌کار) را برای چنین خردسالانی نمی‌پسندند و استعمال آن را نادرست و غیرواقعی می‌پندارند و به دلیل عدم درک و تمیز کامل این خردسالان از رفتارهای ارتكابی معتقدند که در برخورد با بزه‌های ارتكابی توسط کودکان و

پذیرفته نشده است. تصمیم‌گیران سیاست جنایی برای حفظ حریم خصوصی کودکان و نوجوانان مرتکب بزه و جلوگیری از برچسب زدن مجرمانه به این دسته از بزه‌کاران، غیرعلنی بودن محاکمات کیفری را در شمار تضمین‌های دادرسی عادلانه قرار می‌دهند. در قلمرو حقوق کیفری شکلی، غیرعلنی بودن دادرسی‌ها از معیارهای دادرسی عادلانه است. نویسندگان پیمان‌نامه حقوق کودک در قسمت هفتم بخش (ب) بند ۲ از ماده ۴ و قواعد حداقلی سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان با تأکید بر محفوظ و مصون ماندن حریم خصوصی کودکان و نوجوانان مرتکب جرم، غیرعلنی بودن دادرسی کیفری ویژه کودکان و نوجوانان را مورد اشعار قرار داده‌اند.

علاوه بر همه این موارد، دیگر حقوق کودکان و نوجوانان مرتکب بزه در دادرسی‌های کیفری افتراقی عبارت‌اند از حق بر منع شکنجه (بخش الف) ماده ۳۷ پیمان‌نامه حقوق کودک و قسمت چهارم بخش (ب) بند دوم ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک)، حق تفهیم اتهام (قسمت دوم بخش (ب) بند دوم ماده ۴۰ پیمان‌نامه مذکور)، حق بر ترافعی بودن دادرسی کیفری (قسمت چهارم بخش (ب) بند دوم ماده ۴۰ این پیمان‌نامه)، حق اعتراض به آراء و تصمیمات قضایی (قسمت پنجم بخش (ب) بند دوم ماده ۴۰ همان پیمان‌نامه)، حق بهره‌مندی از کمک وکیل (قسمت دوم و سوم بخش (ب) بند دوم ماده ۴۰ این پیمان‌نامه) (نیازپور، ۱۳۸۶، ۳۳) و حق برخورداری از مترجم رایگان. (قسمت سوم بخش (ب) بند دوم ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک) (خواجانه‌نوری، ۱۳۸۸، ۱۷۱) (بلیغ، ۱۳۸۳، ۳۶)

در کنار الزامات و تضمینات راجع به مقوله مسئولیت کیفری و احراز آن در دادرسی کیفری ویژه کودکان و نوجوان مرتکب جرم باید از الزامات و تضمینات مربوط به مقوله واکنش‌های قضایی نسبت به این دسته از افراد نیز توجه کرد. در اینجا در واقع الزامات و تضمیناتی مورد نظر هستند که



آن‌ها تداعی کند که نظام عدالت کیفری و متصدیان آن به دنبال سرکوب وی و انتقام از او هستند و قرار است با او همانند دیگر مجرمان رفتار شود. چنین تفکری به احتمال زیاد، کودک را به واکنش منفی و تلاقی جویانه تحریک می‌کند و اهداف عدالت کیفری از رسیدگی به جرائم ارتكابی توسط خردسالان نه تنها نسبت به آن‌ها عملیاتی نمی‌شوند بلکه ممکن است عملکردهای رسمی کیفری با صبغه سزاگرایانه اثر معکوس هم داشته باشند و از کودک و نوجوان معارض با قانون بعدها و در بزرگسالی یک مجرم خطرناک بسازند. (غلامی، ۱۳۹۰، ۳۷) (امینی، ۱۳۸۴، ۷۱) اعتقاد بر آن است که قضا زدایی مورد تأکید در مدل رویکرد ترمیمی، سریع تر، منطقی تر و اثربخش تر از فرایندهای رسمی، واکنش مناسب نسبت به کودکان و نوجوانان مرتکب جرم را سازمان می‌بخشد. در این زمینه، بهره‌گیری از تجارب متصدیان غیر قضایی و خارج از چارچوب عدالت کیفری اما مدرسان به این نظام بسیار مورد توجه است. از جمله این مقامات غیر قضایی و مراجع خارج از چارچوب دستگاه عدالت کیفری، مددکاران اجتماعی هستند که پژوهش‌های میدانی صورت گرفته، اثربخشی حضور و فعالیت آن‌ها در فرایند رسیدگی به جرائم ارتكابی کودکان و نوجوانان را به اثبات رسانده‌اند. (کشفی و احسانلو، ۱۳۹۰، ۶۱) اما رویکرد اصلاحی (مدل اصلاح‌گرا) دلالت دارد بر همه فرایندها و اقدامات و تدابیری که هدف اصلاح و بازپروری کودکان و نوجوانان مرتکب جرم و کاهش تمایلات و انگیزه‌های مجرمانه در آن را دنبال می‌کنند، اساساً مفهوم «اصلاح و درمان» و واژگانی نظیر این‌ها همچون «بازپروری، بازسازگاری، بازتولید» و... امروزه از جمله اهداف و رویکردهای مهم و متعالی در جرم‌شناسی به ویژه در شاخه جرم‌شناسی رشد مدار (فرد مدار) که ناظر است بر تمرکز روی دوران کودکی و نوجوانی به منظور پیشگیری بهتر و مؤثرتر از بزه‌کار شدن کودکان و نوجوانان محسوب شده است.

نوجوانان باید اصل را بر غیر عمدی بودن ارتکاب گذاشت. (مؤذن زادگان، ۱۳۸۷، ۲۱)

این عده از پژوهشگران، استفاده از عبارت «کودکان معارض با قانون» را پیشنهاد داده‌اند. (مؤذن زادگان، ۱۳۸۳، ۱۲۷) در مدل حمایتی (رویکرد حمایت مدار) کودکان و نوجوانان مرتکب جرم نه تنها سزاوار مجازات نیستند بلکه شایسته انواع حمایت‌های قانونی و قضایی شناخته می‌شوند و تأکید بر آن است که هر واکنشی نسبت به چنین خردسالانی که البته باید فارغ از صبغه کیفری (سزا گرا) باشد، باید با رویکرد و هدف غایی حمایت از این خردسالان عملی شود. جالب است که در چنین رویکردی کودک یا نوجوان مرتکب جرم، فرزند دولت و حمایت از وی نیز تکلیف دولت قلمداد شده است. از نظرگاه حقوقی، در این رویکرد، تأکید بر حفظ و ارتقای حداکثری مصالح و منافع کودک و نوجوان و همین توجه به مصلحت جسمی، روانی، عاطفی و شخصیتی و اجتماعی و فردی کودک و نوجوان مرتکب جرم هم سنگ بنای رویکرد حمایتی را تشکیل می‌دهد. از این رو تمام واکنش‌های قضایی و قانونی نسبت به چنین خردسالانی باید در جهت حمایت از وی در برابر مظاهر و جاذبه‌های مجرمانه باشند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶، ۳۱)

مدل (رویکرد) ترمیمی، ناظر است بر اصل توسل به روش‌های غیر قضایی برای رسیدگی به جرم‌های ارتكابی توسط کودکان و نوجوانان. در واقع تأکید اصلی مدل (رویکرد) ترمیمی بر مسأله «قضا زدایی» است و توجه به این سمت معطوف شده که رسیدگی به جرائم ارتكابی توسط خردسالان، حتی‌الامکان از چارچوب‌ها و فرایندهای رسمی کیفری خارج و به دور باشد و به جای آن‌ها، فرایندهای غیررسمی بیرون از نظام عدالت کیفری به اجرا درآیند. گفته شده که وارد کردن کودکان و نوجوانان مرتکب جرم به چارچوب‌ها و فرایندهای رسمی کیفری ممکن است این ذهنیت را برای



نفی شود (بخش (الف) ماده ۳۷ پیمان نامه حقوق کودک) همچنین تأکید شده که کلیه پاسخ‌ها یا واکنش‌ها نسبت به کودکان و نوجوانان مرتکب جرم باید مبتنی بر رفتار انسانی و کرامت مدار باشد، به گونه‌ای که کودک و نوجوان آن رفتارها را مایه هتک حرمت و شخصیت خویش ارزیابی نکند (بند یک ماده ۴۰ پیمان نامه حقوق کودک). بر همین راستا بخش (ب) ماده ۳۷ پیمان نامه حقوق کودک، بر تلاش در به حداقل رساندن موارد بازداشت و حبس کودک و نوجوان مرتکب جرم تأکید کرده و بر این نکته اصرار ورزیده که بازداشت کودکان و نوجوانان مرتکب جرم و یا زندانی کردن آن‌ها باید آخرین راهکار، آن هم فقط برای مدتی محدود محسوب گردد. از این تأکید و اصرار به وضوح برمی‌آید که تدوین‌کنندگان کنوانسیون حقوق کودک بر معایب و مفسد ناشی از بودن کودک یا نوجوان در محیط آلوده و بزه پرور بازداشتگاه و زندان واقف بوده است. (آشوری، ۱۳۸۲، ۱۲۷) (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۸۵، ۹۱) (فتحی، ۱۳۸۸، ۷۷) در کنار اسناد بین‌المللی، می‌توان رویکرد برخی نظام‌های حقوقی دیگر را نیز درباره ضمانت اجراها و واکنش‌ها و پاسخ‌های موجود در نظام عدالت کیفری نسبت به کودکان و نوجوانان مرتکب جرم بررسی کرد چرا که بر اساس اصول و موازین حقوق کیفری تطبیقی، مطالعات و پژوهش‌های تطبیقی در حوزه حقوق کیفری و نسبت به مسائل و موضوعات متنوع آن می‌توانند به ویژه در انتقال تجربیات عملی موفق در کنار آموزه‌های نظری و انتزاعی، سهم مؤثری داشته باشند. (ازرف، ۱۳۷۸، ۱۰۶)

مسئله در مورد رویکرد نظامات حقوقی دیگر نسبت به کودکان و نوجوانان مرتکب جرم و چگونگی واکنش یا ارائه پاسخ یا وضع ضمانت اجرای قانونی و قضایی نیز صادق است. البته به یاد خواهیم داشت و مجدداً تأکید نیز می‌کنیم که اسناد بین‌المللی راجع به حقوق کودکان، چندان به چنین

(مهدوی، ۱۳۸۹، ۲۱) در توجیه رویکرد (مدل) اصلاح‌گرا گفته شده که دوران کودکی و نوجوانی مهم‌ترین دوران شکل‌گیری شخصیت آدمی است و خردسالان به ویژه آن‌هایی که در دوران حساس بلوغ به سر می‌برند یا به آن نزدیک می‌شوند، اگر تجارب تلخی از این دوران داشته باشند، نه تنها در فرایند رشد و بالندگی آن‌ها اثر منفی گذاشته خواهد شد بلکه در آینده و در بزرگسالی ممکن است بر اساس این تجارب ناگوار راه کژروی و بزه‌کاری پیش گیرند. حال اگر این وضعیت با شرایط ارتکاب جرم از سوی او و رسیدگی محاکم به رفتار ارتكابی وی همزمان گردد و واکنش سوئی از سوی نظام عدالت کیفری نسبت به کودک یا نوجوان اعمال شود باید منتظر عواقب نامطلوب این واکنش‌ها باشیم. (حمیدخانی، ۱۳۸۴، ۴۴)

در مقابل اگر سعی مسئولان و کارگزاران عدالت کیفری بر ارائه پاسخ‌ها و واکنش‌های مقتضی و متناسب با خصوصیات روحی و جسمانی و عاطفی و شخصیتی کودکان و نوجوانان مرتکب جرم باشد و اگر آن‌ها در مقابل خردسالان مرتکب بزه، رفتاری اصلاح مدار یعنی رفتاری که هدف و مقصود نهایی‌اش اصلاح و تربیت خردسال مرتکب جرم است در پیش گیرند. کودک و نوجوان این واکنش را بدون آنکه تفکر منفی یا مخربی از آن در ذهن داشته باشد می‌پذیرد و خود نیز زمانی که متوجه اشتباه و خطای خود می‌شود سعی در اصلاح و تربیت خود خواهد داشت. (طاهایی نژاد، ۱۳۸۱، ۳۹)

اسناد بین‌المللی راجع به حقوق کودکان، همپا و همسو با رویکردهایی که از آن‌ها بحث شد، سعی در ارائه توصیه‌ها و راهکارهایی برای تعیین و اجرای درست واکنش‌های قضایی نسبت به کودکان و نوجوانان مرتکب جرم داشته‌اند از جمله هرگونه واکنش یا پاسخ قضایی یا قانونی که کودک از آن برداشت و استنباط شکنجه، آزار، اذیت و صدمه داشته باشد باید



به کارگیری هر نوع اقدامی، در راستای آموزش، پرورش و درمان آنان گام بردارد (روشن، ۱۳۸۸، ۲۲) تا از این راه بزه کاران با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی آشنا شده و دوباره به جامعه باز گردند.

بازپروری بزه کاران برای نخستین بار از سوی بینان‌گذاران مکتب تحقیقی مورد توجه واقع شد. (دانش، ۱۳۸۱، ۳۸۷) آنان که با «رویکردی مجرم‌مدار» به پدیده بزه کاری و چگونگی پاسخ‌دهی به آن می‌نگریستند، معتقد بودند که این پدیده نوعی بیماری زیستی - سرشتی است و باید با استفاده از ابزارهای بالینی - پزشکی آن را مداوا کرد. (صفاری، ۱۳۸۴، ۱۱۵) این نگرش در وهله نخست توسط سزارلمبروزو از طریق دسته‌بندی بزه کاران به زادگانی، دیوانه و به عادت مطرح و سپس از سوی رافائل گاروفالو و آنریکوفری با اضافه شدن مجرمان اتفاقی و هیجانی تکمیل و تقویت گردید. آنان خصوصاً گاروفالو با طرح معیار «حالت خطرناک» برای ارزیابی وضعیت بزه کاران و اتخاذ مناسب‌ترین روش پاسخ‌دهی، به نظام عدالت کیفری کارکردی اصلاحی - درمانی بخشیدند. در پرتو این نگرش نظام عدالت کیفری مانند یک درمانگاه است که جرم را بیماری، بزه کار را بیمار و دست‌اندرکاران عدالت کیفری را پزشک و یا پیراپزشک می‌پندارد. (کلارکسون، ۱۳۷۴، ۲۵۱) بر اساس این اندیشه، پاسخ‌دهی به بزه کاران برای اصلاح و درمان آنان ضروری است و توقف در روند پاسخ‌دهی به مجرمان «دفاع اجتماعی» را مخدوش می‌کند. این اندیشه به تدریج تحت تأثیر مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسانه به ویژه از هنگام انتشار دیدگاه‌های اندیشمندان جنبش دفاع اجتماعی نوین با تحولات ماهوی و شکلی گسترده‌ای مواجه شد. بازپروری بزه کاران در اثر این تحولات دیگر دربرگیرنده تدابیر و اقدام‌های پزشکی - بالینی نیست، بلکه سایر تدابیر و اقدام‌های بازپرورانه یعنی، تدابیر آموزشی و پرورشی - تربیتی را نیز شامل شود.

واکنش‌ها و ضمانت اجرایی روی خوش نشان نداده‌اند و عملیاتی کردن آن‌ها را نیز به مرحله آخر و به عنوان نهایی‌ترین گزینه و انتخاب واگذاشته‌اند.

در راستای تکمیل مطالب در این قسمت باید گفت الگوهای حمایتی ناظر بر نحوه پاسخ‌دهی به اطفال بزه کار به دنبال سزا دادن به اعمال ارتكابی از سوی آنان نیستند، بلکه می‌کوشند تا طفل خطاکار را به جامعه برگردانده و تا جایی که امکان دارد خسارات وارد بر بزه دیده را جبران کنند. از این رو این الگوها گاه بر بزه کار و گاه بر بزه دیده تمرکز دارند. شماری از الگوهای ناظر به عدالت کیفری اطفال با تمرکز بر بزه کار و وضعیت وی در فرآیند کیفری طراحی شده‌اند. این الگوها با رویکردی آینده‌نگر و با هدف بازپروری بزه کاران به اعمال مجرمانه آنان پاسخ می‌دهند. بازپروری بزه کاران از جمله هدف‌های فایده‌گرای نظام عدالت کیفری است که تصمیم‌گیران سیاست جنایی خصوصاً پس از دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی با روآوری به آن و اتخاذ تدابیر لازم در این زمینه به دنبال فراهم کردن فرصت‌های مناسب برای بازگشت بزه کاران به زندگی سالم اجتماعی و در نتیجه پیش‌گیری از تکرار جرم می‌باشند. (Carrabine et al., ۲۰۰۹، ۲۰۲) به دیگر سخن، بازپروری بزه کاران عبارت است از مجموعه تدابیر و اقدام‌های نظام عدالت کیفری که بر بهبود نظام رفتاری مجرمان و بازسازی شخصیت آنان متمرکز است. به این‌سان، بازپروری بزه کاران با واقع‌گرایی و توجه به وضعیت فردی و محیطی مجرمان و اتخاذ تدابیر مناسب آموزشی، پرورشی - تربیتی و پزشکی - پیراپزشکی درصدد اصلاح و درمان آنان است. نظام عدالت کیفری در پرتو این هدف به یک نظام آموزشی، پرورشی و درمانی تبدیل می‌شود (Marvasti, ۲۰۰۸، ۶۹) زیرا فرض بر این است که بزه کاران مانند سایر شهروندان (ناکردگان بزه) دارای قابلیت‌ها و توانایی‌هایی هستند که نظام عدالت کیفری باید پیش از



(۶۱)

بر اساس تأکیدات وافر در اسناد بین‌المللی، رویکرد اصلاحی - درمانی باید در سراسر فرآیند کیفری ویژه کودکان و نوجوانان وجود داشته باشد؛ به گونه‌ای که با کشف بزه‌کاری نسبت به «مداوای قضایی - کیفری» آنان اقدام شود. در پرتو این نگرش نظام عدالت کیفری باید با شروع فرآیند کیفری به تشکیل پرونده غیر قضایی (شخصیتی) در کنار پرونده قضایی - کیفری مبادرت ورزد تا از این طریق امکان دسترسی به اطلاعات کافی در زمینه وضعیت فردی و محیطی مجرمان و در نتیجه توانایی گزینش مناسب‌ترین پاسخ را بیابد. به این ترتیب، فرآیند بالینی که دربرگیرنده پنج مرحله معاینه بزه‌کاران، شناسایی مشکلات آنان، تشخیص روش‌های مناسب اصلاحی - درمانی، اجرای این روش‌ها و پی‌گیری آن‌ها است، همزمان با وارد شدن مجرمان به عرصه عدالت کیفری شروع شده و با خروج آنان از نظام عدالت کیفری پایان می‌پذیرد. (فرجیها، ۱۳۸۲، ۵۱)

دست‌اندرکاران عدالت کیفری از این رهگذر به دنبال تشخیص حالت خطرناک و میزان قابلیت سازگاری اجتماعی مجرمان، پیش‌بینی رفتار آنان در آینده و ارائه و اجرای روش‌های متناسب با حالت خطرناک و قابلیت سازگاری اجتماعی بزه‌کاران می‌باشند. (مهرا، ۱۳۸۶، ۷۵) در مرحله مطالعه و معاینه، مأموران عدالت کیفری وضعیت فردی و محیطی بزه‌کاران را بررسی کرده و به‌گردآوری اطلاعات لازم در این خصوص از جمله شرایط روحی - روانی، وضعیت مالی - اقتصادی و غیره مجرمان می‌پردازند. این مرحله در برخی از نظام‌های کیفری مانند ایران صرفاً پس از تصمیم‌گیری قضایی - کیفری و هنگام اجرای ضمانت اجرای آزادی آغاز می‌گردد. (غلامی، ۱۳۹۱، ۲۹) درحالی‌که شمار دیگری از نظام‌های کیفری از جمله فرانسه معاینه بزه‌کاران در مرحله‌های نخستین فرآیند کیفری را لازم دانسته و همزمان با شروع مرحله پیش‌دادرسی به تشکیل

پایه‌گذاران جنبش دفاع اجتماعی نوین خصوصاً مارک آنسل بر این باور بودند که بزه‌کاران عضوی از جامعه‌اند و بنابراین دولت‌ها باید با اتخاذ تدابیر مناسب اصلاحی - درمانی زمینه‌های بازپذیری اجتماعی آنان را فراهم نمایند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶، ۳۹) به دیگر سخن، ارتکاب جرم از سوی شماری از شهروندان دولت‌ها را مکلف می‌کند که از طریق برنامه‌های بازپرورانه با بزه‌کاران تعامل برقرار کرده و آنان را به شهروندی فعال و مؤثر تبدیل کنند. (Joyce، ۲۰۰۶، ۱۱۶) مجرمان در پرتو این برداشت تحت تأثیر برنامه‌های اصلاحی - درمانی آنان هنجارآموز شده و به سمت بهبودی اجتماعی (پیروی از قواعد اجتماعی) هدایت می‌شوند. (منصورآبادی و ابراهیمی، ۱۳۸۷، ۲۲)

براساس آموزه‌های این جنبش نظام عدالت کیفری باید با «رویکردی انسان‌مدار» و از طریق اقدام‌های اصلاحی - درمانی در راستای پاسخ‌دهی به مجرمان گام بردارد. از این‌رو، دست‌اندرکاران عدالت کیفری باید از هنگام شناسایی پدیده بزه‌کاری تا پایان اجرای ضمانت اجرای آزادی جنایی و حتی پس از خروج آنان از نظام عدالت کیفری برنامه‌های اصلاحی - درمانی مجرمان را دنبال کنند. (آنسل، ۱۳۷۵، ۸۵) بنابراین، نظام عدالت کیفری برای دسترسی به این هدف باید شخصیت بزه‌کاران (چه از حیث فردی و چه از حیث محیطی) را شناسایی کرده و با توجه به نیازهای روانی، جسمانی و اجتماعی آنان مناسب‌ترین پاسخ سیاست جنایی را اتخاذ نماید. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸-۸۹، ۸) به همین منظور اندیشمندان کیفری رعایت پنج اصل فراگیر بودن برنامه‌های بازپرورانه، تمرکز بر عوامل تغییرپذیر جرم‌زا، متناسب بودن پاسخ‌های عدالت کیفری، اتخاذ و اجرای تدابیر اصلاحی - درمانی نسبت به بزه‌کاران در معرض خطر تکرار جرم و به کارگیری مأموران متخصص هنگام اجرای برنامه‌های بازپرورانه را برای کارایی بیش‌تر نظام عدالت کیفری الزامی دانسته‌اند. (کاری یو، ۱۳۸۱،



جامعه افزایش یابد. (شاکری، ۱۳۸۲، ۲۸) سپس در مرحله پنجم نتایج تدابیر و اجرا شده مورد پی گیری قرار می گیرد. یعنی دست اندرکاران عدالت کیفری مجرمان را پس از پایان اجرای پاسخ های سیاست جنایی رها نکرده و تا مدتی بزه کاران را به منظور ادغام آنان در جامعه مورد حمایت و مراقبت قرار می دهند. بدیهی است که سپری شدن درست و دقیق این مرحله ها به ابزارهای متعددی از جمله تشکیل پرونده شخصیت بزه کاران نیازمند است. در این معنا، پرونده شخصیت بزه کاران دربرگیرنده مجموعه اطلاعات پیرا قضایی یعنی، آگاهی های مربوط به وضعیت فردی و محیطی مربوط به مجرمان است که قضات را به صورت دقیق با گذشته، حال و آینده زندگی بزه کاران و مشکلات آنان آشنا کرده تا از این رهگذر پاسخ های متناسب فردی شده اتخاذ گردد. به این سان، پرونده شخصیت بزه کاران با ارائه اطلاعات مناسب پیرا قضایی به قضات، موجبات اتخاذ متناسب ترین پاسخ عدالت کیفری را فراهم می کند. (نوربها، ۱۳۸۶، ۹۶)

## ۲- جلوه های دادرسی کیفری افتراقی کودکان و نوجوانان

اسنادی چون قواعد حداقل استانداردهای سازمان ملل در مورد اجرای عدالت کیفری خاص اطفال و نوجوانان (قواعد پکن ۱۹۸۵)، رهنمودهای سازمان ملل برای پیشگیری از بزه کاری اطفال و نوجوانان (رهنمودهای ریاض ۱۹۹۰) و قواعد سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم شده از آزادی ۱۹۹۰ و البته مهم تر از همه کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ از جمله مهم ترین این اسناد است که تحولی شگرف در عدالت کیفری اطفال ایجاد نموده اند. آنچه ما را در بعد افتراقی شدن دادرسی وادار به سخن گفتن می نماید، عدالت کیفری کودک مدار است. شیوه دادرسی اطفال و نوجوانان دارای وجوه افتراق متعدد با شیوه دادرسی بزرگسالان است و حساسیت ویژه ای را می طلبد. البته در این خصوص خوشبختانه مقالات،

پرونده شخصیت مجرمان مبادرت می ورزند. (گسن، ۱۳۷۰، ۶۰) در باور این دسته از نظام های حقوقی، هدف از معاینه بزه کاران رهنمون ساختن قضات به سوی اتخاذ مناسب ترین تصمیم قضایی - کیفری است. از این رو فرآیند بالینی باید همزمان با فرآیند کیفری آغاز شود.

پیداست که سیاست دسته دوم با آموزه های جرم شناسی بالینی و هدف های اصلاحی - درمانی سازگارتر است؛ زیرا متناسب بودن پاسخ های عدالت کیفری با شخصیت متهمان و بزه کاران سبب می شود تا نظام عدالت کیفری با شناخت کافی از جنبه های مختلف شخصیت مجرمان و نیازهای فردی و محیطی آنان تدابیر لازم را اتخاذ نماید. از این رو، تحقیقات بالینی باید از لحظه ورود بزه کاران به عرصه عدالت کیفری آغاز شده تا به این وسیله سرنوشت پرونده کیفری بر اساس واقعیت های موجود در پرونده بالینی مجرمان تعیین شود. دومین مرحله فرآیند بالینی بزه کاران شناسایی مشکلات آنان است. به این معنا که مأموران پیرا قضایی از طریق معاینه بزه کاران و گردآوری اطلاعات لازم در خصوص وضعیت سرشتی، روحی - روانی و محیطی آنان به دنبال شناسایی عوامل مؤثر در ارتکاب جرم آنان هستند. این دسته از مأموران با استفاده از روش های مختلف معاینه از جمله آزمون روان پزشکی، مشاهده مستقیم برای تشخیص مشکل های مجرمان بهره می گیرند. (عسگری، ۱۳۹۰، ۳۹)

به دنبال این اقدام سومین مرحله، که همانا تشخیص روش های اصلاحی - درمانی است، آغاز می گردد. در این مرحله مأموران پیرا قضایی درصدد گزینش مناسب ترین روش بازپرورانه اند. در این مرحله است که چگونگی مداوای بالینی - کیفری بزه کاران مشخص می شود. پس از این مرحله دست اندرکاران عدالت کیفری در راستای اجرای تدابیر اتخاذ شده گام برمی دارند. در مرحله چهارم تدابیر اصلاحی - درمانی اتخاذ شده بر مجرمان اجرا می شود تا از این طریق احتمال بازپروری و بازگشت دوباره آنان به



فراموش سازد. حفظ منافع اساسی کودک و توجه به رشد و پیشرفت او اقتضا می‌کند، جریان رسیدگی او محرمانه باقی بماند؛ تا آنجا که به موجب ماده ۴۱۴ قانون جدید آئین دادرسی کیفری اگر مصلحت او اقتضا نماید «ممکن است تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب او به عمل آید». هم چنین اطلاع دادرسی که در رسیدگی‌های بزرگسالان معمول است نباید در دادرسی‌های اطفال صورت گیرد؛ بنابراین لازم است که برخلاف جریان معمول در دادرسی بزرگسالان، اصل غیرعلنی بودن دادرسی و تسریع آن رعایت شود.

## ۱-۱-۲ سَرّی بودن دادرسی اطفال

برخلاف بزرگسالان که علنی بودن رسیدگی، از شاخصه‌های عادلانه بودن دادرسی است، در مورد اطفال و نوجوانان برعکس، مصلحت طفل اقتضا می‌کند که رسیدگی به جرائم آن‌ها محرمانه باشد. این نکته به لحاظ تربیتی بسیار مهم و حسّاس است؛ چرا که علنی بودن رسیدگی اطفال باعث می‌شود، هم قبح عمل در نظر او و دیگران شکسته شود و هم این که هویت خود را مطابق با برچسب مجرمانه‌ای که جامعه به او می‌زند، تعریف کند و در نتیجه اثر منفی بر توانایی‌های او و بازسازی شخصیت و تربیت وی داشته باشد؛ بنابراین نه تنها رسیدگی باید به صورت غیرعلنی انجام شود، بلکه همه افراد دخیل در پرونده نیز باید با التزام به محرمانه بودن پرونده از خدشه‌دار شدن شخصیت و حیثیت طفل جلوگیری کنند. اسناد بین‌المللی نیز به این نکته دقیق تربیتی توجه داشته‌اند، به گونه‌ای که در قواعد پکن که از جمله اسناد مهم در زمینه حقوق کیفری اطفال است، بر ممنوعیت انتشار و دسترسی به جریان دادرسی اطفال و حفظ حریم خصوصی آن‌ها تأکید فراوان شده است [۱]. در کنوانسیون حقوق کودک، نیز سَرّی بودن دادرسی امری لازم شمرده شده است [۲]. در قانون

کتب، پایان‌نامه نگارش یافته و همایش‌های متعددی برگزار شده است اما تصویب قانون جدید آئین دادرسی کیفری سبب گردید که این اندیشه‌ها که تاکنون جنبه تئوریک و انتزاعی داشت، تا اندازه‌ای در عرصه نظام دادرسی ما تجلّی پیدا کند. ذکر این نکته نیز لازم است که در عدالت کیفری کودک مدار، منافع و مصالح عالیه کودک، مبنا و محور همه تصمیم‌گیری‌های قضایی هستند.

به نظر می‌رسد در رسیدگی به جرائم کودکان آنچه اهمیت زیاد دارد توجه به منافع عالیه او است، که در کنوانسیون حقوق کودک بر آن تأکید شده است. در واقع منافع کودک باید محور سیاست‌گذاری‌ها و معیار تعامل متصدیان عدالت کیفری با او باشد. به طور کلی بهترین منفعت طفل، تکامل و ارتقای موزون او در محیط خانواده، زندگی کردن در فضای شاد و فرح‌بخش، وجود عشق و تفاهم، رفع هرگونه تبعیض و بهره‌برداری، آزادی و... است. قانون جدید آئین دادرسی کیفری سعی نموده است که در رسیدگی‌های مربوط به اطفال، مقررات مترقیانه تری نسبت به قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ پیش‌بینی نماید. تشکیل نهادهای ویژه دادرسی اطفال که در بالا به آن اشاره نمودیم یکی از جلوه‌های این تغییر رویکرد است. علاوه بر این ماده ۲۸۶ قانون، تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان را الزامی نموده است، تا منافع عالیه کودک با توجه به وضعیت روانی، جسمانی، تحصیلی و خانوادگی منجر به تصمیم‌گیری مناسب درباره او شود.

## ۱-۲ جلوه‌های تنبیهی افتراقی عدالت کیفری اطفال

ادب آموزی و اعتدای کودک از اهداف مهم نظام‌های دادرسی اطفال است که باید به آن توجه داشت. این امر به نظام کیفری اجازه نمی‌دهد که تربیت کودک را در پیچ و خم‌های طولانی در راهروهای دادگستری



مكلف نموده است که کودک را بی درنگ به دادسرا یا دادگاه تحویل دهند، به طوری که علیرغم انقضاء وقت اداری و نیز ایام تعطیل حق هیچگونه تحقیقات مقدماتی از ایشان ندارند، اما قضات هیچ تکلیفی در این زمینه ندارند.

## ۲-۲ جلوه‌های ترمیمی افتراقی عدالت کیفری اطفال

توسعه راهکارهای قضادایی با گرایش عدالت ترمیمی، تضمین مؤثرتر حقوق بنیادی طفل و پیش‌بینی برخی شیوه‌های خاص رسیدگی، زمینه اجرای یک دادرسی افتراقی برای اطفال و نوجوانان بزه‌کار را فراهم می‌آورد. به این ترتیب با پذیرش حق کودک بر خطاکاری از مداخله رسمی کیفری و فرآیند برچسب‌زنی اجتناب نموده و علاوه بر آموزش کودک نسبت به عذرخواهی از بزه دیدگان و جبران خسارت‌هایی که رفتار خطاکارانه او به بار آورده است، آسیب‌های شخصیتی و روانی او را نیز ترمیم نموده تا با بازسازی وی از تکرار جرم توسط او جلوگیری شود. متأسفانه چه در قانون مجازات اسلامی و چه در قانون جدید آئین دادرسی کیفری چندان به اعمال رویکرد ترمیمی پرداخته نشده است؛ اگرچه قانون مجازات اسلامی در رابطه با عدالت کیفری اطفال تحولات شگرفی را ایجاد نموده است، اما فرآیندهای ترمیمی مورد توجه واقع نشده است، اگر چه برخی پاسخ‌های پیش‌بینی‌شده در مواد ۸۸ و ۸۹ آن صبغه ترمیمی دارد. جالب این جاست که حتی قبل از تصویب چنین قانونی برخی قضات فرهیخته اقدام به اتخاذ چنین پاسخ‌هایی می‌نمودند. به عنوان مثال در پرونده شماره ۶۳۷/۳۲/۷۹ مورخ ۷۹/۵/۲۴ قاضی محترم شعبه ۲۱۰۲ دادگاه عمومی تهران در مورد اتهام ولگردی حکم به آموختن یک حرفه شرافتمندانه داده بود. هم چنین در پرونده دیگری، ارائه خدمات ورزشی هفته‌ای ۲۰ ساعت در ساعات غیردورسی موضوع مجازات قرار گرفته بود.

جدید آئین دادرسی کیفری، اما حضور اشخاصی غیر از والدین یا سرپرست طفل یا نوجوان، وکیل، شاکی و مطلعان و مددکار اجتماعی، با موافقت دادگاه بلامانع اعلام شده است (ماده ۴۱۳). به نظر می‌رسد این حکم، با آنچه در بالا در خصوص ضرورت غیرعلنی بودن دادرسی اطفال گفته شد، چندان سازگار نباشد. حکم مندرج در ماده ۲۲۵ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ در این خصوص، مناسب تر به نظر می‌آید؛ زیرا بر غیرعلنی بودن دادرسی اطفال تأکید نموده و برای ممنوعیت انتشار جریان دادرسی ضمانت اجرای کیفری قرار داده بود، ضمن این که افرادی را که حضور آن‌ها در دادرسی اطفال ضرورت دارد، مشخص نموده و اختیاری در این جهت برای قاضی دادگاه قائل نشده بود.

## ۲-۱-۲ سرعت دادرسی اطفال

علیرغم وجود حق رسیدگی بدون تأخیر برای بزرگسالان، شاید وجود برخی تأخیرها غیرقابل اجتناب و موجه باشد؛ اما در دادرسی اطفال و نوجوانان هیچ تأخیری نمی‌تواند موجه باشد؛ زیرا تحقق اهداف اصلاحی و تربیتی را با مشکل مواجه می‌سازد. کنوانسیون حقوق کودک یکی از تضمین‌های مهم در دادرسی اطفال را رسیدگی بدون تأخیر می‌داند که در قواعد پکن نیز مورد توجه قرار گرفته است. به این معنا هم چنان که در قواعد پکن نیز اشاره شده است، پرونده‌های مربوط به اطفال و نوجوانان باید فوری مورد رسیدگی قرار بگیرد تا نوجوانان به لحاظ روحی و روانی در درک ارتباط میان روند دادرسی و حکم نهایی دچار مشکلات بیشتری نگردند. حساسیت رسیدگی فوری در رسیدگی‌های مربوط به اطفال بیش از بزرگسالان است زیرا ممکن است نتایج مثبتی که از افتراقی شدن دادرسی اطفال دنبال می‌شود در اثر تأخیر در رسیدگی‌ها حاصل نگردد. تبصره ۲ ماده ۲۸۵ قانون جدید دادرسی کیفری ضابطین دادگستری را



صدور چنین آرایشی نشان از ظرفیت بالای دستگاه قضایی در حرکت به سمت ترمیمی نمودن دادرسی اطفال است. نمونه جالب دیگر دادنامه شماره ۱۱۵/۱۱۵ مورخ ۸۲/۱/۲۰ صادره از یکی از شعب دادگاه‌های مشهد است که در مورد فردی ۱۷ ساله که متهم به خرید شش گرم حشیش بود، قاضی محترم با استناد به روح کنوانسیون حقوق کودک حکم به تکمیل آموختن حرفه خیاطی و اخذ گواهینامه از اتحادیه مزبور داده بود.

## ۱-۲-۲ مشارکتی بودن دادرسی اطفال

یکی از نکاتی که به لحاظ تربیتی در دادرسی اطفال بسیار مهم می‌نماید، اجازه ابراز عقیده به آن‌ها است. قاضی آشنا به روانشناسی کودک می‌تواند با پرسیدن سؤالات دقیق، پاسخ‌هایی را از طفل دریافت کند که به حل مشکلات او کمک نماید. ترمیمی بودن رسیدگی به جرائم اطفال، مستلزم حضور افرادی غیر از طفل نیز هست؛ بنابراین والدین یا سرپرست، مددکاران اجتماعی، بزه دیده و ... نیز باید در رسیدگی مشارکت فعال داشته باشند. مشارکت فعال ایشان سبب می‌گردد که قاضی بتواند تصمیمی مناسب در راستای حفظ مصلحت طفل اتخاذ کند.

در کشورهای چون انگلستان اتخاذ رویکرد ترمیمی از یک سو باعث مشارکت جامعه مدنی در جهت ترمیم ذینفعان و همه کسانی که به نوعی از جرم متأثر شده‌اند می‌شود و از سوی دیگر، زمینه مشارکت داوطلبانه طفل یا نوجوان مرتکب جرم را در قالب فرآیند مذاکره و گفتگو به منظور ترمیم خسارات مادی، روانی و معنوی بزه دیده فراهم می‌کند. (مهرا، ۱۳۹۰، ۵۰) ماده ۴۱۵ قانون جدید آئین دادرسی کیفری ما تنها به نوجوان این اختیار را داده است که از خود دفاع کند و سخنی از فرآیندهای ترمیمی و مشارکت طفل یا جامعه مدنی به میان نیامده است.

## ۲-۲-۲ غیررسمی سازی رسیدگی به جرائم اطفال

ناکارآمدی نهادها و واکنش‌های کیفری رسمی سبب گردیده است، کنترل‌های غیررسمی اجتماعی به ویژه در واکنش به جرائم اطفال، طرفداران زیادی داشته باشد. غیررسمی سازی رسیدگی به جرائم اطفال این مزیت را دارد که آن‌ها را از محیط استرس‌زای دادگستری و برچسب‌های مجرمانه دور نگه داشته و اصلاح و تنبیه ایشان را در بستر فرآیندهای ترمیمی میسر سازد؛ به عبارت دیگر قضازدایی سبب می‌گردد تا اهداف و شیوه‌های تربیتی به گونه‌ای مطلوب به اجرا درآید.

به این منظور ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک گسترش روش‌های غیر قضایی در رسیدگی‌های مربوط به اطفال را مقرر داشته و در ماده ۱۱ قواعد پکن نیز رسیدگی به بزه کاری اطفال را بدون توسل به مراجع رسمی و مقامات قضایی و مشروط به رعایت تضمین‌های حقوق بشری مورد توجه قرار می‌دهد. قضا زدایی به معنای اعم آن می‌تواند در سراسر فرآیند رسیدگی مدنظر قرار بگیرد. به این ترتیب که هم می‌تواند با اتخاذ تدابیری چون اخطار پلیس (در حقوق کیفری انگلستان) از ورود طفل به فرآیند کیفری جلوگیری کند و هم می‌تواند با استفاده از میانجی‌گری و ... طفل را از ادامه فرآیند کیفری بازدارد و بالأخره می‌تواند در مرحله اجرای احکام از طریق مجازات‌های اجتماعی صورت گیرد. (ورکیانی، ۱۳۸۹، ۵۱) قانون مجازات اسلامی صرفاً به این مرحله اخیر نظر داشته است.

بدیهی است که پلیس زمانی می‌تواند از ورود طفل به فرآیند کیفری جلوگیری کند که اولاً اختیارات قانونی لازم در این خصوص را داشته باشد و ثانیاً تخصص و مهارت لازم در برخورد با اطفال و نوجوانان را داشته باشد. به نظر می‌رسد تشکیل پلیس ویژه اطفال بر اساس قانون جدید آئین دادرسی کیفری می‌تواند آغاز این تحول شگرف در نظام قضایی ما باشد.



نیز از محیط جرم پرور زندان شده، مورد توجه فراوان هستند و نسبت به کودکان و نوجوانان مرتکب جرم بسیار مورد توصیه واقع شده‌اند. در برخی کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا جایگزین‌های حبس به ویژه در قالب جریمه‌های روزانه و خدمات عام‌المنفعه رایگان مورد استفاده هستند. (روشن قنبری، ۱۳۷۸، ۳۷) در یک مورد در سال ۱۹۹۰ دادگاهی در ایالت «میسوری»، «سامی»، یک نوجوان ۱۱ ساله را به یک ماه همکاری با نظافتچی مدرسه‌ای که شیشه‌های آن را شکسته و به درب ورودی آن خسارتی وارد کرده بود محکوم نمود. (۲۰۳، ۲۰۰۸، Petersillia) در نمونه‌ای دیگر در سال ۲۰۰۱ در ایالات ایلینوی آمریکا «جورج» و «النا» به تهیه روزنامه به مدت یک ماه برای شرکت تبلیغاتی که پله‌های ورودی آن را تخریب کرده بودند محکوم شدند. (۱۹۳، ۲۰۰۲، Champion) در نظام حقوقی ایران نیز با نمونه‌های بارزی از اجرای تدابیر جایگزین کیفر سالب آزادی روبرو بوده‌ایم. از پاسخ‌های تعیین شده در برخی آرای قضایی که می‌توان آن‌ها را ترمیمی محسوب کرد، دو مورد «الزام به سوادآموزی در کانون اصلاح و تربیت» قابل اشاره هستند؛

۱- «سعید ۱۵ ساله که به جرم سرقت و استعمال مواد مخدر به یک سال حبس و یازده میلیون ریال جزای نقدی بدل از شلاق محکوم شده است، در زندان محکوم به سوادآموزی است. (دادنامه ۹۰۰۰۲۷۴-۹۰/۳/۳۰ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی ورامین) در پرونده وی اقدام به خودزنی در کانون و شکستن شیشه وجود داشت.» (صادقی، ۱۳۹۲، ۳۰)

۲- «احمد ۱۷ ساله به جرم سرقت احشام از طویله به همراه ۲ نفر دیگر ۱۵ و ۱۶ ساله جهت اصلاح و تربیت هرکدام به یک سال نگهداری در کانون و الزام به سوادآموزی محکوم شده‌اند. احمد در کانون مشکل بی‌خوابی و عصبی دارد و تحت نظر روان پزشک دارو مصرف می‌کند. گزارش

با توجه به تشکیل دادرسی ویژه نوجوانان در قانون جدید و در صورت ناکامی پلیس در امر قضا زدایی مقامات تعقیب می‌توانند نقش مؤثری در تغییر مسیر پرونده و خروج آن از فرآیند کیفری داشته باشند. در نهایت اگر به هر دلیلی پرونده به دادگاه ارجاع شود قاضی می‌تواند از طریق میانجی‌گری و در چارچوب عدالت ترمیمی و با رعایت منافع عالیه کودک به امر قضا زدایی بپردازد. منافع عالیه کودک و توجه به شخصیت او در همه تصمیم‌گیری‌های فوق باید مطمح نظر قرار گیرد.

۳- افتراقی کردن دادرسی کیفری کودکان و نوجوانان با محوریت جایگزین‌های حبس

ذیل این عنوان، رویکردهایی که نسبت به اعمال جایگزین‌های حبس در مورد کودکان و نوجوانان مطرح هستند را در پرتو اصول و موازین دادرسی کیفری افتراقی مورد بحث قرار خواهیم داد. در ارتباط با الزامات و تضمینات حاکم بر دادرسی کیفری افتراقی حاکم بر کودکان و نوجوانان مرتکب جرم و با محوریت جایگزین‌های حبس، می‌توان هم رویکردهای ملی و هم رویکردهای فراملی موجود را تحلیل کرد.

۳-۱ رویکردهای ملی

گفته شد که اقدامات و تدابیر جایگزین، در واقع جانشین‌های کیفر حبس (زندان) هستند که امروزه، در بسیاری از نظام‌های حقوقی و سیاست‌های جنایی مترقی و پیشرفته، در راستای کاهش و رفع آسیب‌ها و معایب زندان و اعمال پاسخ‌های اصلاح مدارتر و درمان محورتر و بازپرورانه تر مورد تأکید و اجرا قرار گرفته‌اند. (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۸۵: ۲۰) این جایگزین‌ها به ویژه به دلیل تأکیدات فراوانی که امروزه در راستای هرچه دورتر کردن کودکان و نوجوانان از حوزه واکنش‌های کیفری و سزاگرا و



اطفال تهران (همان، ۳۳)  
سحر ۱۶ ساله به جرم نگهداری ۵ گرم کراک و اعتیاد به آن به چهار ماه حبس، ۳۰ ضربه شلاق و ۲۰ میلیون ریال جزای نقدی و به علت عدم امنیت در زندگی با پدر بزرگ و همسر او، دادگاه دستور تحویل به بهزیستی را صادر کرده است. (دادنامه ۸۹۰۴۲۳-۱۳۸۹/۴/۳۰ صادره از شعبه ۱۰۳ دادگاه عمومی ملارد) (همان، ۳۴)

موارد تحویل به بهزیستی را می‌توان به نوعی با بند ب ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی در صورت صلاحدید دادگاه و عدم صلاحیت والدین یا سرپرستان را پیش‌بینی کرده، مطابق دانست. پاسخ‌هایی مثل نصیحت به وسیله قاضی دادگاه، اخطار و تذکر و اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم، سپردن کودک به دیگر اشخاص، الزام به شرکت در کلاس‌های آموزش حرفه‌ای و الزام به انجام خدمات عمومی نیز در زمره پاسخ‌های اصلاحی و تربیتی قرار می‌گیرند که به علت نبودن آن‌ها در میان تصمیمات دادگاه‌ها در این پژوهش به تفصیل مورد بررسی قرار نمی‌گیرند ولی این تدابیر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در فصل دهم بخش دوم در مورد کودکان و نوجوانان بزه‌کار پیش‌بینی شده است. مراجعه به قانون مذکور و منابع موجود در این زمینه می‌تواند مفید واقع شود. (استرن، ۱۳۸۱، ۳۳) (آشوری، ۱۳۸۲، ۷۸)

شایان ذکر است محور اصلی سیاست‌گذاری صورت گرفته در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را می‌توان در تمرکز بر دیدگاه‌های اصلاحی و تربیتی و تلاش در جهت حذف هرچه بیشتر واکنش‌های کیفری مشاهده نمود. بر مبنای چنین دیدگاهی، سامانه پاسخ‌دهی پیش‌بینی شده نیز مبتنی به سه محور رویکردهای خارج کننده کودکان و نوجوانان بزه‌کار از چرخه عدالت کیفری، استفاده وسیع از اقدامات اصلاحی و تربیتی و

سوادآموزی در کانون در پرونده اش موجود بود. (دادنامه ۹۰۰۸۱-۱۳۹۰/۵/۳ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی ورامین) (همان، ۳۱)  
علاوه بر این موارد، شش مورد تحویل به بهزیستی نیز در میان پاسخ‌ها موجود بود. البته تحویل به بهزیستی پس از تحمل مجازات حبس و یا شلاق صورت می‌گرفت. سه مورد در مورد سه دختر؛ ستاره ۱۷ ساله، سارا ۱۶ ساله، سمیه ۱۶ ساله که هر سه باهم به اتهام رابطه نامشروع دستگیر شده‌اند؛ از خانه فرار کرده‌اند، باهم خانه گرفته‌اند و کار می‌کنند و اصلاً تمایلی به بازگشت به خانه ندارند، چون وضعیت زندگی‌شان بسیار نامطلوب گزارش شده است. حکم دادگاه در مورد هر سه؛ هفتاد ضربه شلاق، تحویل به خانواده و در غیر این صورت تحویل به بهزیستی جهت حرفه‌آموزی، نگهداری و ادامه تحصیل بود. همچنین دادگاه به علت صغر سن اجرای مجازات شلاق را به صلاح آن‌ها ندانسته و آن را به مدت ۳ سال تعلیق کرده بود. (دادنامه ۲۳۱۰۱۹-۱۳۸۹/۱۲/۶ صادره از شعبه ۱۱۸۳ دادگاه عمومی ویژه اطفال تهران) (همان، ۳۲) اعظم ۱۶ ساله به جرم رابطه نامشروع به یک میلیون ریال جزای نقدی بدل از شلاق و تحویل به بهزیستی محکوم شده است. یک سال پیش از ورود به کانون در مسیر منزل خواهرش ربوده شده و مورد تجاوز قرار گرفته و پس از آن مورد سرزنش خانواده‌اش واقع می‌شده تا این که از خانه فرار کرده است. (دادنامه ۳۳۸-۱۳۸۷/۴/۲۵ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی اسلامشهر) (همان، ۳۳)

سحر ۱۶ ساله به جرم رابطه نامشروع و نگهداری ۱۲ گرم شیشه به پرداخت یک میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی بدل از شلاق محکوم شده که اجرای حکم به مدت ۳ سال تعلیق شده است و به علت عدم حضور سرپرست مناسب و باردار بودن باید تحویل بهزیستی گردد. (دادنامه ۸۸۰۰۰۳-۱۳۹۰/۹/۷ صادره از شعبه ۱۱۸۳ دادگاه عمومی ویژه



این سیاست جنایی است. (مهر، ۱۳۹۰، ۵۴) در این میان، مقرراتی که در کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به حقوق کودک به تصویب دولت‌های عضو رسیده‌اند و نیز قوانینی که در کشورهای دارای نظام‌های حقوقی مترقی در مورد چگونگی واکنش و پاسخ به بزه‌کاری‌های کودکان و نوجوان وضع شده‌اند بیش‌ترین تأثیرات را در شکل‌گیری نظام پاسخ‌ها و واکنش‌های افتراقی در عدالت کیفری ناظر بر کودکان و نوجوانان داشته‌اند. (ایروانیان، ۱۳۸۸، ۴۸) از دهه ۱۹۷۰ میلادی، تصمیم‌گیران سیاست جنایی بین‌المللی، با تدوین اسناد الزام‌آور و ارشادی متعدد کوشیده تا الزام‌ها یا توصیه‌های متناسب با وضعیت کودکان و نوجوانان به ویژه کودکان و نوجوانان بزه‌کار را به کشورها ارائه دهد تا از این رهگذر سیاست‌گذاری جنایی ملی درصدد اجرای یک دادرسی عادلانه برای کودکان و نوجوانان بزه‌کار، با لحاظ همه خصوصیات جسمی، روانی و شخصیتی آن‌ها برآیند. (عباچی، ۱۳۸۱، ۱۴) در این زمینه با حمایت‌های مادی و معنوی سازمان ملل متحد پنج دسته مقررات تدوین شده است:

۱. حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن مصوب ۱۹۸۵)
۲. پیمان‌نامه حقوق کودک (۱۹۸۹)
۳. اصول سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزه‌کاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض ۱۹۹۰)
۴. مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم شده از آزادی (۱۹۹۰)
۵. نمونه قانون قضایی برای نوجوانان (۱۹۹۸) (هورست شولر، ۱۳۷۸، ۴۴)

مهم‌ترین اصولی که در همه این مقررات، به دقت و صراحت مورد توجه تدوین‌کنندگان بوده، دو اصل هستند؛ یکی اصل توجه به عالی‌ترین منافع

واکنش‌های حداقلی و محدود کیفری تنظیم یافته است. گروه مورد مصاحبه در کانون اصلاح و تربیت نیز این تدابیر را در مورد مددجویان، مناسب تر از اعمال مجازات می‌دانستند. البته در صورتی که نهادهای ویژه، نیروی کار آموزش‌دیده و متخصص و امکانات لازم در این زمینه فراهم باشد.

اما در کنار رویکردهای ملی قانونی و قضایی مربوط به اجرای موازین دادرسی کیفری افتراقی نسبت به کودکان و نوجوانان، می‌توان از رویکردهای فراملی نیز سخت‌گفت. نکته مهم آن است که در رویکردهای نوع دوم، جایگزین‌های مجازات‌های سالب آزادی جایگاه ویژه‌ای دارند. این رویکردها البته بیشتر در اسناد بین‌المللی مربوط به کودکان و نوجوانان و حقوق آن‌ها مشهود است که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

## ۲-۳ رویکردهای فراملی

اساساً توجه به کودکان و نوجوانان و حقوق آن‌ها در نظام حقوقی پدیده‌ای نوین است. تا اواخر سده نوزدهم میلادی، کودکان و نوجوانان به مثابه موجودات انسانی مستقل از بزرگسالان موضوع حقوق به شمار نمی‌آمدند. با شکل‌گیری انقلاب صنعتی فرانسه و پیش‌بینی محدودیت‌هایی برای کارفرمایان در عدم به‌کارگیری کودکان در کارگاه‌ها، آنان نیز تابع مستقل حقوق انگاشته شدند. پس از آن قانون‌گذاری کیفری نیز، چه در بعد ماهوی و چه در بعد شکلی، به حقوق کودکان توجه ویژه پیدا کردند به گونه‌ای که سیاست‌گذاری جنایی بین‌المللی و ملی درصدد اتخاذ یک سیاست جنایی ویژه (افتراقی) در قبال کودکان و نوجوانان بزه‌کار برآمدند. (موسوی، ۱۳۹۰، ۲۳) تدوین مقررات کیفری ماهوی و شکلی متناسب با وضعیت جسمی، روانی، شخصیتی، عاطفی، فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان بزه‌کار برای اجرای یک دادرسی کیفری ویژه از نمودهای برجسته



عدالت کیفری کارآمدتر محسوب می‌شود. (کریمی، ۱۳۹۲، ۴۷۶)

## نتیجه گیری

امروزه، نگاه به پدیده بزه کاری کودکان و نوجوانان، همانند گذشته، نگاهی برخاسته از همسان انگاری خردسالان با بزرگسالان نیست. همین نگاه، اقتضای نحوه برخورد و واکنش متفاوت به بزه کاری این قشر آسیب پذیر و مستحق حمایت را دارد. از این اصل که به آن، دادرسی کیفری افتراقی یاد می‌شود، مهم ترین مبنای حاکم بر رویکرد بسیاری از نظام های حقوقی پیشرفته و مترقی نسبت به بزه کاری طبقه خردسال است. در این قبیل نظام های حقوقی، کودکان و نوجوانان، در اصل «انسان بودن» و «کرامت ذاتی داشتن» با دیگر افراد جامعه یکسان اند اما ارتکاب جرم از سوی آن ها با واکنشی همانند آنچه در مورد بزرگسالان مراعات می گردد، روبرو نمی شود. بر این اساس، تدابیر قهر آمیز و واکنش های کیفری جای خود را به راهبردهای ارفاق آمیز، اصلاح مدار و درمان محور و بازپرورانه می دهند و هدف از اجرای این تدابیر، نه انتقام و رام کردن نفس سرکش بزه کاران بلکه درمان و اصلاح رفتارهاست.

جایگزین های حبس، امروزه مصداق بارز این نگاه به بزه کاری است که به ویژه در مورد کودکان و نوجوانان اهمیت و ضرورت می یابد. جایگزین های حبس، در همه رویکردهای موافق، اهمیت بی چون و چرایی در مورد کودکان و نوجوانان دارند. در واقع بنا بر ویژگی های خاص کودکان و نوجوانان از حیث شناختی، جسمانی و روانی و عاطفی، مجازات حبس نسبت به آن ها یک ضمانت اجرای فاقد فایده و بسیار مخرب ارزیابی شده است. سیاست جنایی افتراقی در مورد بزه کاری کودکان و نوجوانان و تخصصی شدن حقوق کیفری اطفال از دستاوردهای ارزنده جوامع متمدن امروزی است که آموزه های جرم شناسی بالینی از جمله تشکیل پرونده

کودک و دوم اصل تناسب نظام پاسخ دهی و پاسخ های عدالت کیفری با شخصیت کودکان و نوجوانان بزه کار. جالب است که هر دو اصل به فردی کردن پاسخ های عدالت کیفری به بزه کاری کودکان و نوجوانان می انجامد که نتیجه نهایی از برگزاری دادرسی کیفری ویژه کودکان و نوجوانان برشمرده است. (نیازپور، ۱۳۸۵، ۱۴۸) (کاظمی رودسری، ۱۳۷۸، ۲۵) آنچه از مقررات مندرج در این اسناد در رابطه با عدالت کیفری افتراقی خردسالان و پاسخ های نظام کیفری به بزه کاری کودکان و نوجوانان قابل مطالعه و تحلیل هستند را می توان در قالب الزامات و تضمینات ناظر بر مقوله مسئولیت کیفری و الزامات و تضمینات ناظر بر مقوله واکنش های قضایی مورد بررسی قرارداد. در واقع برخی از الزامات و تضمینات مورد اشاره و تصویب در این اسناد اساساً راجع به چگونگی احراز مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان مرتکب جرم و برخی دیگر، ناظر بر زمانی هستند که مسئولیت کیفری آن ها احراز شده و درصدد ارائه پاسخ (واکنش) عدالت کیفری نسبت به آن ها هستیم. اینکه چه الزامات و تضمیناتی در این دو مورد بر عملکرد مقامات و متصدیان نظام عدالت کیفری حاکم است، از مهم ترین موضوعات و مقولات مطرح در تحلیل مفاد و مقررات اسناد بین المللی مربوط به حقوق کیفری ناظر بر بزه کاران خردسال است.

(آقامیرسلیم، ۱۳۹۰، ۳۱)

در پایان، ذکر نکته ای مفید به نظر می رسد و آن اینکه برخی کارشناسان، نحوه مواجهه و واکنش نظام عدالت کیفری با بزه کاری کودکان و نوجوانان را آزمایشگاهی برای آن نظام عدالت کیفری و معیار مهمی برای سنجش قابلیت ها و ظرفیت ها و توانایی های آن نظام برشمرده اند؛ به نحوی که اعتقاد ایشان بر آن است که هرچه پاسخ های نظام عدالت کیفری به کودکان و نوجوانان مرتکب جرم، منطقی تر، توجیه پذیرتر و با منافع و مصالح عالیه کودکان و نوجوانان مرتکب جرم منطبق تر باشد، آن نظام



مورد واکنش قضایی به جرم ارتكابی او (که مرحله پس از احراز مسئولیت کیفری اوست) الزامات و تضمینات پیش گفته باید رعایت گردند. از جمله در مورد اول، اصل تدریجی بودن مسئولیت کیفری و برخی دیگر از اصول و موازین باید در مورد احراز مسئولیت کیفری خردسالان مراعات شود که عبارت‌اند از فرض بی‌گناهی (اصل براءت)، تشکیل دادگاه مناسب و صلاحیت‌دار برای احراز مسئولیت کیفری، رسیدگی بدون تأخیر به جرم‌های ارتكابی توسط کودکان و نوجوانان (اصل سرعت در دادرسی)، غیرعلنی بودن دادرسی کیفری نسبت به خردسالان، حق بر منع شکنجه، حق تفهیم اتهام، حق بر ترافی بودن دادرسی کیفری، حق اعتراض به آراء و تصمیمات قضایی، حق بهره‌مندی از کمک وکیل و حق برخورداری از مترجم رایگان.

در مورد دوم، واکنش‌های قضایی نسبت به خردسالان مرتکب جرم باید بر مبنای سه اصل محوری «حمایت»، «ترمیم» و «اصلاح»، تعیین و نسبت به آن‌ها به اجرا درآیند. بر این اساس، قضا زدایی و حل مسأله بزه‌کاری کودکان و نوجوانان حتی‌الامکان خارج از گستره نظام عدالت کیفری، اجرای عدالت ترمیمی، تعیین و اجرای جایگزین‌های حبس، راهبردها و راهکارهای ارفاق آمیز، اصلاحگر، درمان محور و بازپرورانه و نیز کرامت مدار و انسانی بودن پاسخ‌ها، مهم‌ترین اصول و موازینی هستند که باید مورد توجه مجریان عدالت کیفری قرار گیرد.

و نکته پایانی آنکه؛ همپا با کشورها و نظام‌های حقوقی که درصدد این قبیل اصول و موازین در هنگام مواجهه با بزه‌کاری کودکان و نوجوانان هستند، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در کشور ما هم نسبت به قوانین سابق بر خود، تلاش داشته است این رویکرد افتراقی را اتخاذ کرده و در عمل به اجرا گذارد. بدین ترتیب می‌توان از این قانون به عنوان مجموعه‌ای از راهبردها و راهکارها و تدابیر اصلاح مدار، درمانگر و

شخصیت، استفاده از نیروهای متخصص مانند مددکاران اجتماعی و روان‌شناسان در مرحله دادرسی و پیش دادرسی، پلیس و قضات واجد صلاحیت و آموزش دیده، اعمال تدابیر اصلاحی و تربیتی به جای مجازات و... نقشی ویژه در این زمینه داشته است.

الزامات و تضمینات مهمی بر روند دادرسی کیفری افتراقی ویژه کودکان و نوجوانان مرتکب جرم حاکم هستند. این الزامات و تضمینات را در این پژوهش، با دو نگاه ملی و فراملی مورد بحث قرار دادیم. در نگاه ملی، ابتکاراتی که در زمینه تقنینی و قضایی در ایران و در آمریکا (به عنوان یک نظام حقوقی پیشرفته و مترقی در زمینه اعمال دادرسی کیفری افتراقی و جایگزین‌های حبس) صورت گرفته را مورد بحث و بررسی قرار دادیم. مبنای تمام این ابتکارات، نگاه بالینی به بزه‌کاری کودکان و نوجوانان و توجه بیشتر و عمیق تر به اصل اصلاح و درمان و بازپروری به جای رویکردهای قهر آمیز و واکنشی و سرکوبگر و کیفری صرف است. در نگاه فراملی، رویکرد اسناد بین‌المللی مربوط به کودکان و حقوق آن‌ها را بررسی کردیم که در اینجا از ذکر جزئیات اجتناب کرده، خواننده ارجمند را به مطالب ذیل این عنوان ارجاع می‌دهیم و به این اشاره مختصر اکتفا می‌کنیم که در همه این اسناد، آنچه مبنای نظری و عملی تدوین‌کنندگان آن‌ها بوده، دو اصل است؛ یکی؛ اصل توجه به عالی‌ترین منافع کودک و دوم؛ اصل تناسب نظام پاسخ‌دهی و پاسخ‌های عدالت کیفری با شخصیت کودکان و نوجوانان بزه‌کار که هر دو نیز تجلی اصل فردی کردن پاسخ‌ها در نظام عدالت کیفری هستند و به ویژه در مورد کودکان و نوجوانان مصداق می‌یابند. بر اساس همین دو نگاه، می‌توان گفت هم در مورد احراز مسئولیت کیفری (یعنی زمانی که خردسال مرتکب جرم شده و درصدد بررسی مسئول بودن یا نبودن وی از حیث کیفری هستیم و هنوز نوبت به تعیین و اجرای پاسخ نظام عدالت کیفری به جرم او نرسیده) و هم در



از رهگذر تصویب قانون جدید مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، به نحو بارزی با استانداردهای جهانی مربوط به اجرای جایگزین‌های حبس در مورد کودکان و نوجوانان همراه و همگام شود.

[۱] Beijing Rules, Article (۲۲-۱)

[۲] Convention on the Rights of the Child, Article

۴۰ (۷-ب)

بازپرورانه نسبت به کودکان و نوجوانان مرتکب جرم نام برد. این قانون که البته پس از کش و قوس‌های فراوان به تصویب رسیده است، محور اصلی سیاست‌گذاری صورت گرفته در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را می‌توان در تمرکز بر دیدگاه‌های اصلاحی و تربیتی و تلاش در جهت حذف هرچه بیشتر واکنش‌های کیفری مشاهده نمود، بر مبنای دیدگاه‌هایی از سنخ آنچه مورد بحث ما قرار گرفت، پاسخ‌دهی به بزه‌کاری کودکان و نوجوانان را مبتنی بر سه محور رویکردهای خارج کننده کودکان و نوجوانان بزه‌کار از چرخه عدالت کیفری (قضا زدایی)، استفاده وسیع از اقدامات اصلاحی و تربیتی و واکنش‌های حداقلی و محدود کیفری تنظیم یافته و تصویب شده است و بر این اساس می‌توان مدعی شد نظام حقوقی ایران توانسته



## منابع

پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی،

۱۳۸۵.

۱۳. حمیدخانی، مجید، اصلاح و تربیت بزه کاران در حقوق کیفری ایران،

پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی،

۱۳۸۴.

۱۴. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات موسسه مطالعات و

پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷.

۱۵. خالقی، علی، علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین المللی و حقوق داخلی،

مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۵، ۱۳۸۳.

۱۶. خواجه نوری، یاسمن، حقوق کیفری اطفال و جهانی شدن، رساله دکترا

حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.

۱۷. خواجه نوری، یاسمن، جلوه های دادرسی عادلانه در حقوق کیفری کودکان،

در: تازه های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، نشر میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۸.

۱۸. دانش، تاج زمان، مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، انتشارات کیهان،

چاپ نهم، ۱۳۸۱.

۱۹. درویشی اکرمی، سهیلا، نظام پاسخ ها به بزه کاری اطفال در حقوق ایران و

اسناد سازمان ملل، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه

شهید بهشتی، ۱۳۹۰.

۲۰. دلماس مارتی، می ری، نظام های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین

نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۷.

۲۱. دهقانی، علی، نقد و بررسی لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در

پرتو اسناد بین المللی حقوق کودک، فصلنامه خانواده پژوهی، دوره ۱۸، شماره

۱، ۱۳۸۸.

۲۲. روشن قنبری، عطاءالله، جایگزین های زندان های کوتاه مدت در حقوق

کیفری ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی،

دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.

۲۳. روشن، محمد، نقد و بررسی تحولات دادرسی در حوزه بزهکاری کودکان و

نوجوانان، فصلنامه خانواده پژوهی، دوره ۱۸، شماره ۱، ۱۳۸۸.

۱. ابراهیمی وریانی، فاطمه، حق دادرسی منصفانه کودکان در تعارض با قانون، انتشارات جاودانه، چاپ اول، ۱۳۸۹.

۲. ازرف، آلبین، اهمیت پژوهش های حقوقی تطبیقی در توسعه و تکامل علوم جزایی، ترجمه حسن رضایی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۱۰، ۱۳۷۸.

۳. استرن، وی وین، همایش بین المللی بررسی راهکارهای جایگزین مجازات زندان، ترجمه محمدرضا فرزانه، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۸، ۱۳۸۱.

۴. امیدی، جلیل و سمیه نیکویی، تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۳، ۱۳۸۷.

۵. امینی، محمد، قضا دایی و جایگاه آن در نظام کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.

۶. ایروانیان، امیر، آسیب شناسی سامانه پاسخ ها در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، فصلنامه خانواده پژوهی، دوره ۱۸، شماره ۱، ۱۳۸۸.

۷. آشوری، محمد، جایگزین های زندان یا مجازات بینابین، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۸. آقامیرسلیم، مرضیه سادات، جایگاه پرونده شخصیت در نظام کیفری ایران و کانادا، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.

۹. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی نوین، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

۱۰. بلیخ، سوسن، کنوانسیون حقوق کودک و بهره وری از آن در حقوق داخلی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۱۱. تقی پور، علیرضا، حقوق متهم در دادرسی کیفری بین المللی، رساله دکترا حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.

۱۲. حاجی تبار فیروزجایی، حسن، جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران،



۳۶. فرجیها، محمد، جنبه هایی از تأثیر یافته های جرم شناسی بر سیاست جنایی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۱، ۱۳۸۲.

۳۷. کاری یو، روبر، مداخله روان شناختی- اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵-۳۶، ۱۳۸۱.

۳۸. کاظمی رودسری، زهرا، فردی کردن مجازات ها در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۸.

۳۹. کریمی، نورالله، مدل های دادرسی در زمینه اطفال بزه کار، در: دائرة المعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات)، نشر میزان، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۲.

۴۰. کشفی، سید سعید و علی احسانلو، نقش مددکاران اجتماعی در پیشگیری از بزه کاری اطفال و نوجوانان، مجله پلیس زن، شماره ۱۴، ۱۳۹۰.

۴۱. کلارکسون، سی. ام. وی، تحلیل مبانی حقوق جزا، ترجمه حسین میرمحمدصادقی، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۴۲. گسن، ریموند، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ اول، نشر مترجم، ۱۳۷۰.

۴۳. منصورآبادی، عباس و شهرام ابراهیمی، تحولات مدیریت پیشگیری از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۸، ۱۳۸۷.

۴۴. مؤذن زادگان، حسنعلی، سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲-۶۳، ۱۳۸۷.

۴۵. مؤذن زادگان، حسنعلی، کودکان و نوجوانان معارض با قانون و واکنش های اجتماعی، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، نشر سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۴۶. موسوی، عافیة السادات، بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۰.

۴۷. مهدوی، سید محمود، پیشگیری از جرم (پیشگیری شد مدار)، نشر سمت، چاپ اول، ۱۳۸۹.

۴۸. مهرا، نسرین، کیفر و چگونگی تعیین آن در فرآیند کیفری انگلستان (با تکیه

۲۴. شاکری، ابوالحسن، قوه قضاییه و پیشگیری از وقوع جرم، مجموعه مقالات راجع به قوه قضاییه و پیشگیری از جرم، انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۲۵. شاملو، باقر، عدالت کیفری و اطفال، نشر جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۹.

۲۶. شاملو، باقر، اصل برائت کیفری در نظام های نوین دادرسی، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، نشر سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۲۷. صادقی، آسیه، بررسی آراء صادره از دادگاه های عمومی ویژه اطفال از منظر آموزه های جرم شناسی بالینی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.

۲۸. صفاری، علی، کیفرشناسی و توجیه کیفر، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات آموزشی برای ارتقاء سطح دانش دست اندرکاران مبارزه با مواد مخدر ایران)، جلد دوم، انتشارات سلسبیل، چاپ نخست، ۱۳۸۴.

۲۹. طاهایی نژاد، علیرضا، پیشگیری از بزه کاری و اصلاح بزه کار در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.

۳۰. عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۳۱. عسگری، سعید، مداخله های پیش از بزهکاری، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۲۰، ۱۳۹۰.

۳۲. غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

۳۳. غلامی، حسین، عدالت کیفری اطفال در سیاست جنایی سازمان ملل متحد، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۴.

۳۴. غلامی، حسین (مترجم)، پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی، مجله پژوهش و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۲۷، ۱۳۹۱.

۳۵. فتحی، حمیدرضا، سیر تحولات سیاست جنایی در قلمرو اجرای مجازات حبس، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.



# فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: [www.jaml.ir](http://www.jaml.ir)



۲۰۰۹, Routledge Publishers, Sociological Introduction),  
 ۵۸. Champion, Dean. J., Corrections in The United States  
 ۲۰۰۲, ۴th Ed., Spring Publication,  
 ۵۹. Joyce, Peter, Criminal Justice(A introduction to Crime  
 ۲۰۰۶, and The Criminal Justice System), Willan Publishers,  
 ۶۰. Marvasti, J. A., Child Suffering in The World: Child  
 Maltreatment by Parents, Culture and Governments  
 Different Countries and Cultures, Manchester: Sexual  
 ۲۰۰۸, Trauma Center Publication,  
 ۶۱. Petersillia, Joan, Community Corrections, ۳th Ed  
 ۱۹۹۱, Oxford University Press,  
 ۶۲. Scott, Elizabeth S. & Laurence Steinberg, Rethinking  
 Juvenile Justice, Cambridge, Massachusetts, Harvard  
 ۲۰۰۸, University Press,  
 ۶۳. Young, M.C. & I. Gainsborough, Prosecuting Juveniles  
 in Adult Court: An Assessment of Trend and  
 Consequences, Washington DC, The Sentencing Projects  
 ۲۰۰۰.

بر کارکردهای کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۵، ۱۳۸۶.  
 ۴۹. مهر، نسرين. عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، نشر میزان، چاپ اول،  
 تابستان ۱۳۹۰.  
 ۵۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی (تکنیک های حقوقی کیفری  
 برای پیشگیری از جرم)، تقریرات درسی دوره دکترا حقوق جزا و جرم شناسی،  
 دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال اول تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸.  
 ۵۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، اطفال در معرض خطر، ماهنامه قضاوت،  
 شماره ۴۵، ۱۳۸۶.  
 ۵۲. نوربها، رضا، زمینه جرم شناسی، کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۸۶.  
 ۵۳. نیازپور، امیرحسین، بازپروری بزه کاران در مقررات ایران، مجله فقه و حقوق،  
 شماره ۱۱، ۱۳۸۵.  
 ۵۴. نیازپور، امیرحسین، حق متهمان بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری؛ جلوه ای  
 از حقوق شهروندی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸، ۱۳۸۶.  
 ۵۵. نیکویی، سمیه، الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه،  
 مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶-۵۷، ۱۳۸۵.  
 ۵۶. هورست شولر، اسپرنیکوم، دادرسی نوجوانان در جهان، ترجمه علی  
 شیروانی، سخنرانی ارائه شده در سمینار دادرسی ویژه نوجوانان، تهران،  
 ۱۳۷۷/۴/۲۲، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۷۸.  
 ۵۷. Carrabine, Eamonn and et al, Criminology(A